

جهانی شدن و مشرق‌الاذکارهای بهائی

عرفان ثابتی

در مراسم گشایش آخرین مشرق‌الاذکار قاره‌ای در شیلی، افرادی از ملل و ادیان گوناگون شرکت کردند. چه ویژگی‌هایی مشرق‌الاذکار را از عبادتگاه‌های دیگر متمایز می‌کند؟ از سبک معماری مشرق‌الاذکار چه می‌دانیم؟ چرا مشرق‌الاذکار نماد درهم‌تنیدگی امر جهانی و امر محلی است؟

عبادتگاه‌های بهائی را «مشرق‌الاذکار»، خاستگاه ستایش پروردگار، می‌نامند. این اصطلاح ابتدا معادل عبادتگاه نبود بلکه برای اشاره به گروهی از بهائیان به کار می‌رفت که برای مطالعه‌ی آثار بهائی، به‌ویژه در سحرگاه، دور هم جمع می‌شدند. اما اکنون این واژه را تنها در اشاره به معابد بهائی و بناهای اطراف آنها به کار می‌برند، یعنی همان نهادهایی که قرار است خدمات انسان‌دوستانه را فارغ از تعلقات دینی، نژادی و جنسی به همگان ارائه دهند. به اختصار می‌توان گفت که در اوایل قرن بیستم، مشرق‌الاذکار معنایی عام، جلسه‌ی دعا و/یا محل برگزاری این جلسه، داشت اما امروز به معنایی خاص، عبادتگاه و مجموعه بناهای پیرامونی، به کار می‌رود.

بهاءالله، بنیان‌گذار آیین بهائی، در آثار خود از ویژگی‌های مادی و معنوی مشرق‌الاذکار سخن گفت، و عبدالبهاء، فرزند و جانشین او، جزئیات مربوط به عبادتگاه‌های بهائی را مشخص کرد. تنها بهائیان می‌توانند به نهادهای بهائی کمک مالی ارائه دهند. مشرق‌الاذکار هم از این قاعده مستثنا نیست. به عبارت دیگر، بنا، تعمیر و نگهداری عبادتگاه‌های بهائی و نهادهای بشردوستانه‌ی پیرامون آنها تنها متکی به کمک مالی بهائیان است زیرا نهادهای بهائی از پذیرش کمک‌های مالی غیربهائیان، خواه افراد یا نهادها و دولت‌ها، خودداری می‌کنند. نهادهای پیرامونی مشرق‌الاذکار عبارتند از بیمارستان، دانشگاه، پرورشگاه، مسافرخانه، داروخانه‌ی رایگان، آسایشگاه سالمندان و «دیگر نهادهای خدمات «عام‌المنفعه». مشرق‌الاذکارهای فعلی همگی تالار اجتماعات ۵۰۰ تا ۲۵۰۰ نفری، سالن بزرگ، مرکز بازدیدکنندگان و کتاب‌فروشی دارند و دفتر شورای ملی بهائیان آن کشور اطراف این عبادتگاه‌ها واقع شده اما هنوز هیچ یک از نهادهای پیرامونی تأسیس نشده است. آسایشگاه سالمندان نخستین نهادی است که پیرامون مشرق‌الاذکارهای قاره‌ای ساخته خواهد شد.

ورود به مشرق‌الاذکار برای همه، فارغ از دین، نژاد، ملیت یا جنسیت، آزاد است. پیروان ادیان گوناگون می‌توانند به هر زبانی هر دعایی را بخوانند. هم‌خوانی گروه‌های هم‌سراییی در مشرق‌الاذکار مجاز است اما نمایش شمایل یا مجسمه، ادای خطبه و موعظه یا اجرای شعائر و مناسک دسته‌جمعی ممنوع است. در مشرق‌الاذکار محراب و منبری دیده نمی‌شود و در صورت لزوم می‌توان از تریبونی ساده استفاده کرد. در آیین بهائی طبقه‌ای به نام روحانی وجود ندارد و، بنابراین، در مشرق‌الاذکار هر فردی می‌تواند متون دینی را بخواند. به اختصار می‌توان گفت که عبادتگاه

بهائی وسیله‌ای برای تحقق وحدت در کثرت است. پیروان ادیان مختلف آزادند که در مشرق‌الاذکار به دعا بپردازند مشروط به این که این عبادت آنها فردی باشد و نه دسته‌جمعی.

بهاء‌الله در مهم‌ترین اثر خود، کتاب اقدس، از بهائیان خواست که در همه‌ی شهرها و روستاها زیباترین مشرق‌الاذکارها را بسازند اما آزار و اذیت شدید بهائیان در قلمرو حکومت‌های قاجار و عثمانی مانع از تحقق این خواسته شد. عبدالبهاء بهائیان را به تشکیل جلسه‌های دعا تشویق می‌کرد و به آنها اجازه داد که در صورت لزوم، این جلسه‌ها را «در خفا» برگزار کنند. او پیوسته بر اهمیت مشرق‌الاذکار تأکید می‌کرد و سرانجام در دوران رهبری او بود که نخستین مشرق‌الاذکار در عشق‌آباد، واقع در ترکمنستان کنونی، ساخته شد.

عشق‌آباد تنها ۴۰ کیلومتر از مرزهای شمالی ایران فاصله داشت و میزبان حدود ۵۰۰۰ بهائی بود که اکثر آنها مهاجرانی ایرانی بودند که آن شهر را به علت آزادی دینی و رونق تجاری‌اش برای زندگی برگزیده بودند. بر خلاف ایران، تبلیغ آیین بهائی و تأسیس و توسعه‌ی نهادهای بهائی در عشق‌آباد آزاد بود. در سال ۱۸۸۷، بهائیان زمینی را نزدیک به مرکز شهر خریدند و بهاء‌الله آن را به عنوان محل مشرق‌الاذکار تعیین کرد. عبدالبهاء دو ایرانی بهائی نامدار را به عنوان معمار و مدیر پروژه برگزید و خود بر پروژه‌ی بنای مشرق‌الاذکار نظارت کرد. احداث این عبادتگاه در سال ۱۹۰۲ شروع شد و در سال ۱۹۰۶ پایان یافت.

تا پیش از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، بهائیان یک کتابخانه، یک قرائت‌خانه‌ی عمومی، دو مهدکودک، یک مدرسه‌ی پسرانه، یک مدرسه‌ی دخترانه، یک درمانگاه و یک مسافرخانه در اطراف مشرق‌الاذکار ساخته بودند. این نهادهای پیرامونی تا سال ۱۹۲۸ به ارائه‌ی خدمات به بهائیان و غیربهائیان ادامه دادند. در آن سال، سیاست جدید نظام کمونیستی در مورد بناهای دینی به مصادره‌ی مشرق‌الاذکار و ساختمان‌های اطرافش انجامید. ارزش این بناها را در آن زمان ۲۲۰۰۰۰ دلار تخمین زده‌اند. پس از سه ماه تعطیلی، بهائیان توانستند که مشرق‌الاذکار را اجاره کنند. اجاره‌نامه ابتدا پنج ساله بود و سپس تمدید شد. اما بناهای پیرامونی همچنان تعطیل ماند و دولت به بهائیان اجازه نداد که از آنها استفاده کنند. در سال ۱۹۳۸، جامعه‌ی بهائی به طور رسمی منحل شد؛ صدها بهائی را دستگیر کردند و به اردوگاه‌های سیبری فرستادند یا به ایران و قزاقستان تبعید کردند. مشرق‌الاذکار را به موزه تبدیل کردند، موزه‌ای که بر اثر زلزله‌ی شدید سال ۱۹۴۸ آسیب دید. سرانجام در سال ۱۹۶۳ این بنا را به طور کامل تخریب و به پارک عمومی تبدیل کردند.

شمار فزاینده‌ای از بهائیان آمریکای شمالی که در نخستین سال‌های قرن بیستم برای دیدار با عبدالبهاء به حیفا می‌رفتند از میل و علاقه‌ی خود به احداث مشرق‌الاذکاری در آمریکای شمالی سخن می‌گفتند. گروهی از بهائیان شیکاگو، که در آن زمان میزبان بزرگ‌ترین جامعه‌ی بهائی در غرب بود، در پی خرید زمینی نزدیک این شهر برآمدند، پیشنهادی که عبدالبهاء از آن استقبال کرد. در سال ۱۹۰۹، ۳۹ نماینده از جوامع بهائی آمریکای شمالی

^۱ بعضی از تزئینات خارجی این بنا در سال ۱۹۱۹ تکمیل شد (بدیعی و همکاران ۲۰۰۹).

اعضای انجمن مشرق‌الاذکار بهائی را انتخاب کردند. این انجمن پیشنهاد احداث عبادتگاه بهائی در آن محل را تصویب کرد و در سال ۱۹۲۲ به نخستین شورای ملی بهائیان آمریکا و کانادا تبدیل شد. در سال ۱۹۱۲، عبدالبهاء در سفر خود به آمریکای شمالی سنگ‌بنای مشرق‌الاذکار شیکاگو را بنیان نهاد.

در سال ۱۹۲۰ این انجمن طرح پیشنهادی یک معمار بهائی کانادایی را برگزید و عبدالبهاء نیز آن را تصویب کرد. این معمار طرح خود را نماد دو اصل مهم آیین بهائی، یعنی وحدت اساس ادیان و وحدت نوع بشر، می‌دانست. او یک دهه از عمر خویش را به تکمیل این طرح اختصاص داد اما با مرگ ناگهانی‌اش در سال ۱۹۳۰ این طرح ناتمام ماند. شوقی افندی، نوهی عبدالبهاء و رهبر جامعه‌ی بهائی در آن زمان، از معمار بهائی کانادایی دیگری خواست تا طرح را به انجام رساند.

تا سال ۱۹۳۰ به‌رغم بحران اقتصادی ناشی از «رکود شدید»، بهائیان آمریکای شمالی موفق به جمع‌آوری ۴۰۰ هزار دلار شدند. شوقی افندی پیوسته بهائیان را به تکمیل بنای مشرق‌الاذکار تشویق می‌کرد و افتتاح آن را به عنوان یکی از اهداف دومین نقشه‌ی هفت‌ساله‌ی جامعه‌ی بهائی (۱۹۵۳-۱۹۴۶) تعیین کرد. کمک‌های مالی بهائیان سراسر جهان به تکمیل بنای مشرق‌الاذکار یاری رساند و سرانجام این عبادتگاه در سال ۱۹۵۳ توسط همسر شوقی افندی، روحیه ربانی مکسول، گشایش یافت. معماری مشرق‌الاذکار شیکاگو آمیزه‌ای از سبک‌های اسلامی، بیزانسی، مصری، رنسانس و رومانسک است، و در تزئینات داخلی و خارجی آن می‌توان صلیب رومی، صلیب یونانی، صلیب شکسته‌ی ادیان هندی، ستاره‌ی شش‌پر داوود و ستاره و هلال ماه اسلامی را دید که نماد آموزه‌ی بهائی وحدت اساس ادیان است. روزنامه‌ی نیویورک تایمز طرح این مشرق‌الاذکار را «برداشت معمار از نوعی سازمان ملل دینی» خواند.

گنجایش تالار اصلی این عبادتگاه ۲۰۰۰ نفر است. این مشرق‌الاذکار در سال ۱۹۷۸ در فهرست ملی اماکن تاریخی ثبت شد و سالانه حدود دویست و پنجاه هزار بازدیدکننده دارد. برای درک اهمیت نهاد مشرق‌الاذکار در آیین بهائی کافی است که بدانیم جامعه‌ی بهائی آمریکا نقشه‌ی جامع هزار ساله‌ی مرمت و نگهداری آن را تهیه کرده است. در سال ۱۹۵۹ آسایشگاه سالمندان در اطراف این مشرق‌الاذکار تأسیس شد اما این مؤسسه در سال ۲۰۰۲ به علت مشکلات مالی تعطیل شد. قرار است که دیگر نهادهای پیرامونی این مشرق‌الاذکار در آینده‌ی نزدیک تأسیس شوند. احداث مشرق‌الاذکار شیکاگو، موسوم به «ام‌المعابد غرب»، نمونه‌ای از فعالیت‌های هماهنگ جهانی‌ای است که از طریق آن رهبری جامعه‌ی بهائی می‌کوشد توجه بهائیان سراسر دنیا را به رفع نیازهای جامعه‌ی بهائی یک کشور جلب کند. در تأمین هزینه‌ی دو میلیون و ششصد هزار دلاری احداث مشرق‌الاذکار شیکاگو، نه تنها بهائیان

^۲ بهائیان همه‌ی ۹ مشرق‌الاذکار قاره‌ای را «ام‌المعابد» می‌خوانند زیرا عقیده دارند که تأسیس هر یک از آنها به احداث هزاران مشرق‌الاذکار ملی و محلی در آن قاره خواهد انجامید (مؤمن ۲۰۱۲).

آمریکای شمالی بلکه بهائیان اروپا، آسیای مرکزی، هند، خاورمیانه، آفریقای جنوبی، نیوزیلند و جزیره‌ی موریس هم سهم بودند. این امر حاکی از موفقیت شوقی افندی در بسیج منابع مالی بهائیان جهان است.

در سال ۱۹۵۳ شوقی افندی خرید سه قطعه زمین برای مشرق‌الاذکارهای بغداد، دهلی نو و سیدنی، و احداث مشرق‌الاذکارهای فرانکفورت و تهران را در اهداف نقشه‌ی ده ساله‌ی جهانی (۱۹۶۳-۱۹۵۳) گنجانید. در سال ۱۹۵۵ آزار و اذیت فراگیر بهائیان ایران شوقی افندی را به تجدیدنظر واداشت و پروژه‌های تأسیس مشرق‌الاذکارهای کامپالا و سیدنی را جایگزین پروژه‌ی بنای مشرق‌الاذکار تهران کرد.

کامپالا نه تنها شهری رو به رشد در مرکز آفریقا بلکه نخستین محل گرویدن انبوهی از مردم به آیین بهائی در این قاره بود. طراح مشرق‌الاذکار کامپالا یک معمار نامدار بهائی آمریکایی بود و یک شرکت معتبر محلی این طرح را با توجه به مقتضیات محلی تغییر داد. بنای این عبادتگاه در سال ۱۹۵۸، تنها دو ماه پس از درگذشت شوقی افندی، شروع شد. در سال ۱۹۶۱ همسر شوقی افندی درهای این مشرق‌الاذکار ۱۲۰۰۰۰ دلاری، و بلندترین بنای آن زمان در شرق آفریقا، را به روی ۱۵۰۰ نفر از مهمانانی گشود که دو سوم از آنها بهائی نبودند.

این عبادتگاه شبیه یک سرپناه سنتی آفریقایی است و در تزئینات داخلی و خارجی آن رنگ‌های شاد به کار رفته است. این طرح خاص این بنا را از گزند بادها و باران‌های موسمی این ناحیه حفظ می‌کند. در طرح ابتدایی هیچ دری وجود نداشت تا مرز میان امر عرفی و امر قدسی کم‌رنگ شود اما آب‌وهوای نامساعد سبب شد که طرح اولیه را تغییر دهند. طرح نهایی با محیط آفریقای شرقی هماهنگ است. در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ عیدی امین دیکتاتور حاکم بر اوگاندا به سرکوب ۲۷ گروه دینی، از جمله بهائیان، پرداخت و مشرق‌الاذکار کامپالا دو سال تعطیل شد. این عبادتگاه در بخش عمده‌ای از دهه‌ی ۱۹۸۰ هم به علت وقوع جنگ داخلی در کشور از فعالیت منظم بازماند. در اوایل دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ این مشرق‌الاذکار دو بار به طور اساسی مرمت شد. در سال ۲۰۰۱ این عبادتگاه میزبان ۲۰۰۰ مهمان جشن پنجاهمین سالگرد تشکیل جامعه‌ی بهائی اوگاندا بود. در این مراسم، وزیر بهداشت پیام رئیس‌جمهور اوگاندا را خواند که در آن جامعه‌ی بهائی را به علت فعالیت‌های انسان‌دوستانه، به‌ویژه در مورد ترقی زنان، ستوده بود.

طرح کلی مشرق‌الاذکار سیدنی را همان معمار مشرق‌الاذکار کامپالا ارائه داد. سیدنی میزبان قدیمی‌ترین جامعه‌ی بهائی در اقیانوسیه بود. یک معمار غیربهائی اهل سیدنی طرح اولیه را تکمیل کرد. احداث این عبادتگاه ۶۰۰ نفری در سال ۱۹۵۸ شروع شد و در سال ۱۹۶۱ پایان یافت. گیاهان بومی باغ‌های اطراف این مشرق‌الاذکار به زیبایی بنا می‌افزایند. به عقیده‌ی برخی از ناظران غیربهائی، این عبادتگاه، که سالانه حدود ۲۰,۰۰۰ بازدیدکننده دارد، یکی از چهار بنای دینی مهمی به شمار می‌رود که در قرن بیستم در سیدنی ساخته شده است.

۳ در دهه‌ی ۱۹۶۰، جامعه‌ی بهائی ایران در زمین‌هایی که برای تأسیس مشرق‌الاذکار در اقدسیه، واقع در شمال تهران، خریده بود چند بنای آموزشی و اداری ساخت اما همه‌ی این املاک پس از انقلاب ایران توسط حکومت جدید مصادره شد.

مخالفت بعضی از روحانیون کلیسای پروتستان آلمان غربی با پیشنهادهای جامعه‌ی بهائی برای خرید زمین مشرق‌الاذکار فرانکفورت سبب شد که صدور جواز احداث این عبادتگاه شش سال طول بکشد. بنای این مشرق‌الاذکار ۶۰۰ نفری در سال ۱۹۶۰ شروع شد و در سال ۱۹۶۴ پایان یافت. در مسابقه‌ای که برای انتخاب معمار این بنا برگزار شد یک معمار غیربهائی اهل فرانکفورت برنده شد. شوقی افندی و شورای ملی بهائیان آلمان و اتریش طرح این معمار را تصویب کردند. شوقی افندی به معماری کلاسیک علاقه‌مند بود و از معماری مدرن انتقاد می‌کرد. افزون بر این، او به شورای ملی بهائیان آلمان توصیه کرده بود که معبد بزرگی نسازند تا جامعه‌ی بهائی آلمان از نظر مالی در تنگنا نیافتد.

طرح این بنا حاکی از آموزه‌ی بهائی وحدت در کثرت، علاقه به سازه‌های ساده در آلمان پس از جنگ جهانی دوم، و بعضی طرح‌های بومی است. شورای جهانی بهائی، موسوم به بیت‌العدل، از شورای ملی بهائیان آلمان خواسته تا احداث آسایشگاه سالمندان در اطراف این مشرق‌الاذکار را شروع کنند. در مراسمی که در سال ۲۰۰۵ در این عبادتگاه برگزار شد چند تن از نمایندگان دولت فدرال با اشاره به مخالفت مسئولان کلیسای پروتستان با خرید زمین مشرق‌الاذکار بر تغییر نگرش عامه‌ی مردم نسبت به آیین بهائی در مقایسه با دهه‌ی ۱۹۵۰ تأکید کردند. این مشرق‌الاذکار سالانه حدود ۲۵,۰۰۰ بازدیدکننده دارد و یکی از بناهای مشهور در این کشور است.

از سال ۱۹۶۳ بیت‌العدل خرید زمین برای این عبادتگاه‌ها و احداث مشرق‌الاذکارهای قاره‌ای، و اخیراً ملی، را در نقشه‌های جهانی جامعه‌ی بهائی گنجانده، امری که نشانه‌ی گسترش آیین بهائی در دنیا است. بیت‌العدل تأکید کرده که بیزاری شوقی افندی از معماری مدرن، سلیقه‌ی شخصی او بوده و معماران می‌توانند در طراحی مشرق‌الاذکارهای جدید از سبک مدرن بهره‌برند. افزون بر این، بیت‌العدل به روشنی بیان کرده که معماران مشرق‌الاذکار در استفاده از قوای خلاق و اتکا به منابع الهام خود آزادند اما باید به مقتضیات زیست‌محیطی و فرهنگی محل بنای این عبادتگاه‌ها توجه کنند.

احداث مشرق‌الاذکار پاناما سیتی، «ام‌المعابد آمریکای مرکزی»، یکی از اهداف نقشه‌ی نه‌ساله‌ی جهانی (۱۹۷۳-۱۹۶۴) بود. پنجاه معمار از نقاط گوناگون دنیا طرح‌هایی را برای این عبادتگاه ارائه دادند. رئیس پیشین دانشکده‌ی معماری دانشگاه پرینستون به عنوان مشاور بیت‌العدل بر روندگزینه‌ی طرح نظارت داشت. سرانجام طرح پیشنهادی یک معمار غیربهائی بریتانیایی انتخاب شد. احداث این مشرق‌الاذکار ۵۵۰ نفری در سال ۱۹۶۷ شروع شد و در سال ۱۹۷۲ پایان یافت. همچون مشرق‌الاذکارهای قبلی، طرح این بنا با مقتضیات محلی همخوانی داشت و یادآور طرح‌های بومیان آمریکا است.

احداث مشرق‌الاذکار آپیا در ساموا یکی از اهداف نقشه‌ی پنج‌ساله‌ی جهانی (۱۹۷۹-۱۹۷۴) بود. سنگ‌بنای این عبادتگاه، «ام‌المعابد جزایر پاسیفیک»، را روحیه ربانی مکسول، همسر شوقی افندی و نماینده‌ی بیت‌العدل، و پادشاه ساموا، نخستین رهبر بهائی یک کشور، در سال ۱۹۷۹ بنیان نهادند. در سال ۱۹۸۴ همین دو نفر این مشرق‌الاذکار ۱,۲۰۰ نفری را افتتاح کردند. معمار بهائی ایرانی این بنا، حسین امانت، در طرح خود از خانه‌ی

سنتی ساموایی الهام گرفته و در باغ‌های اطراف این عبادتگاه می‌توان ۶۰ نوع گیاه بومی را یافت. در ساختن این بنا از روش‌های مدرن بهره بردند اما مواد ساختمانی همگی از عناصر بومی منطقه‌ی پاسیفیک بود.

در دهه‌ی ۱۹۷۰ هند میزبان بزرگ‌ترین جامعه‌ی بهائی در دنیا بود. احداث مشرق‌الاذکار دهلی نو، «ام المعابد آسیا»، یکی از اهداف اصلی نقشه‌ی پنج ساله‌ی جهانی (۱۹۷۴-۱۹۷۹) بود. عملیات ساختمانی در سال ۱۹۷۷ شروع شد و در سال ۱۹۸۶ پایان یافت. در مراسم گشایش این مشرق‌الاذکار ۸,۰۰۰ نفر از ۱۴۰ کشور شرکت کردند. معمار بهائی ایرانی این عبادتگاه، فریبرز صهباء، در طراحی این بنا از گل نیلوفر آبی الهام گرفته که در ادیان هندی نماد زیبایی و معنویت است. طرح این مشرق‌الاذکار علاوه بر تأیید آموزه‌های بنیادی ادیان هندی، حاکی از شکفتن گلی جدید، یعنی آیین بهائی، است. این عبادتگاه، که بزرگ‌ترین مشرق‌الاذکار بهائی است، سالانه بیش از دو و نیم میلیون بازدیدکننده دارد و یکی از اماکن محبوب گردشگران به شمار می‌رود. طراحی این بنا جوایز بین‌المللی فراوانی را نصیب معمارش کرده و برخی از صاحب‌نظران آن را یکی از صد بنای مهم قرن بیستم خوانده‌اند.

در سال ۱۹۵۳ شوقی افندی سانتیاگو را به عنوان محل بنای «ام المعابد آمریکای جنوبی» برگزید. احداث این مشرق‌الاذکار یکی از اهداف نقشه‌ی پنج ساله‌ی جهانی (۲۰۰۱-۲۰۰۶) بود. در سال ۲۰۰۳ از میان ۱۸۵ طرح ارائه شده، طرح یک معمار بهائی ایرانی انتخاب شد. این طرح، که نمادی از وحدت نوع بشر است، توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرده و چند جایزه‌ی معتبر، از جمله جایزه‌ی ممتاز مجله‌ی معمار، را برای سیامک حریری به ارمغان آورده است. عملیات ساختمانی این بنای ۲۷ میلیون دلاری در سال ۲۰۰۶ در دامنه‌ی کوه‌های آند شروع شد. به گفته‌ی مدیر پروژه‌ی مشرق‌الاذکار سانتیاگو، این سازه طوری طراحی شده که ۴۰۰ سال دوام بیاورد. در مراسم گشایش این مشرق‌الاذکار، که در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۶ برگزار شد، ۵۰۰۰ نفر از ۱۱۰ کشور جهان شرکت کردند. سخنگوی دولت شیلی، فرماندار منطقه، شهردار سانتیاگو، تعدادی از اعضای مجالس نمایندگان و سنا، و نمایندگان از دیگر ادیان از مهمانان این مراسم بودند. سخنگوی دولت و فرماندار منطقه در سخنان جداگانه‌ای این عبادتگاه را «هدیه‌ی جامعه‌ی بهائی به شیلی و آمریکای جنوبی خواندند و پیام یگانگی و برادری آیین بهائی، گشودگی مشرق‌الاذکار به روی همگان، و معماری این بنا را، که شهر، طبیعت و معنویت را به یکدیگر می‌پیوندد، ستودند.

در سال ۲۰۰۱ بیت‌العدل اعلام کرد که با افتتاح مشرق‌الاذکار سانتیاگو روند بنای مشرق‌الاذکارهای قاره‌ای پایان خواهد یافت و مرحله‌ی جدید احداث مشرق‌الاذکارهای ملی شروع خواهد شد. در هزاره‌ی جدید میلادی، بیت‌العدل نه تنها جلسه‌های دعا را یکی از چهار فعالیت اصلی جامعه‌ی بهائی خوانده بلکه بر پیوند میان این جلسه‌ها و پروژه‌های اجتماعی اقتصادی با نهادهای پیرامونی مشرق‌الاذکارها تأکید کرده و از ضرورت تأسیس این نهادها سخن گفته است. بنابراین، عجیب نیست که اکنون احداث مشرق‌الاذکارهای ملی اولویت یافته است.

به عبارت دیگر، جوامع بهائی بدون مشرق‌الاذکار چیزی کم دارند زیرا این عبادتگاه‌ها و نهادهای پیرامونی آنها معنویت و زندگی اجتماعی را به هم می‌آمیزند. به عقیده‌ی بهائیان، توسعه‌ی ارگانیک جامعه‌ی بهائی و نهادهای آن

به طور متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند. در سال ۲۰۱۰، ۱۴۸ قطعه زمین برای احداث مشرق‌الاذکارهای ملی تعیین شده بود. این مشرق‌الاذکارها از مشرق‌الاذکارهای قاره‌ای کوچک‌تر خواهند بود اما در مقایسه با همتایان قاره‌ای خود در زندگی اجتماعی جوامع اطراف خود نقش فعال‌تری خواهند داشت.

در سال ۲۰۱۲ بیت‌العدل از احداث اولین و دومین مشرق‌الاذکار ملی در جمهوری دموکراتیک کنگو و پاپوا نیو گینی خبر داد. نه تنها شمار فراوانی از اهالی این دو کشور به آیین بهائی گرویده‌اند بلکه چهار فعالیت اصلی جامعه‌ی بهائی (کلاس‌های کودکان، کلاس‌های نوجوانان، جلسه‌های دعا و گروه‌های مطالعه) هم در آنها رونق دارد. به نظر بیت‌العدل، مشرق‌الاذکارهای ملی به تقویت فرهنگی و معنوی و افزایش ظرفیت افراد برای خدمت به نوع بشر کمک خواهند کرد. جمهوری دموکراتیک کنگو با بیش از ۲۹۵,۰۰۰ بهائی پنجمین جامعه‌ی بهائی بزرگ دنیا به شمار می‌رود. نخستین مبلغین بهائی حدود ۶۰ سال قبل به این کشور وارد شدند و به‌رغم مخالفت ابتدایی برخی از دولت‌مردان و روحانیون مسیحی، آیین بهائی در آنجا رشد کرد. در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ حدود بیست هزار نفر از اهالی کنگو به آیین بهائی گرویدند. مشارکت بهائیان در پروژه‌های توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی سبب جلب اعتماد مسئولان دولتی شده است. آیین بهائی چنان در تاروپود زندگی مردم کنگو درهم‌تنیده که بعضی از مبلغین مسیحی خارجی گمان کرده‌اند که آیین بهائی یکی از ادیان محلی آفریقا است. بر خلاف بسیاری از دیگر کشورهای آفریقایی، وقوع جنگ داخلی در کنگو آسیب عمده‌ای به جامعه‌ی بهائی وارد نکرده و خوانندگان و نوازندگان بهائی کنگویی از سرآمدان تولید فرهنگی جوامع بهائی آفریقا به شمار می‌روند و در مجامع جهانی بهائی هنرنمایی می‌کنند. بنابراین، عجیب نیست که بیت‌العدل این کشور را به عنوان محل احداث یکی از نخستین دو مشرق‌الاذکار ملی تعیین کرده است. اولین گروه از مبلغین بهائی در دهه‌ی ۱۹۵۰ به پاپوانیوگینی وارد شدند. به‌رغم مخالفت گاه و بی‌گاه بعضی از روحانیون مسیحی، جامعه‌ی بهائی این کشور ۵۷,۰۰۰ عضو دارد که آن را به بیستمین جامعه‌ی بهائی بزرگ دنیا تبدیل می‌کند. مشارکت بهائیان در پروژه‌های توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی سبب شده که دولت‌مردان این کشور نظر مثبتی به جامعه‌ی بهائی داشته باشند. در بعضی از نواحی، همه‌ی اهالی روستاها بهائی شده‌اند و شوراهای محلی بهائی این روستاها را اداره می‌کنند. به نظر بیت‌العدل، تأسیس مشرق‌الاذکار و نهادهای پیرامونی، جامعه‌ی بهائی این کشور را تقویت خواهد کرد و مشارکت آن در فعالیت‌های اجتماعی را افزایش خواهد داد.

افزون بر این، بیت‌العدل از باتامبانگ (کامبوج)، بهار شریف (هند)، ماتوندا سوی (کنیا)، نورته دل کوکا (کلمبیا)، و تانا (وانواتو) به عنوان محل بنای نخستین مشرق‌الاذکارهای محلی نام برده است. رشد این پنج جامعه‌ی بهائی چشمگیر بوده و بیشتر از بسیاری از دیگر جوامع بهائی دنیا در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت کرده‌اند. برای مثال، در سال ۲۰۰۶ در باتامبانگ ۲,۷۴۲ نفر تنها در یکی از چهار فعالیت اصلی جامعه‌ی بهائی شرکت کردند. تا سپتامبر ۲۰۱۱ شمار بهائیان و غیربهائیان شرکت‌کننده در چهار فعالیت اصلی جامعه‌ی بهائی باتامبانگ به طور میانگین ۶۰ درصد افزایش یافته بود. نباید از یاد برد که این پنج مشرق‌الاذکار و نهادهای پیرامونی آن در جوامعی بنا خواهند شد که با فقر و مشکلات اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کنند. برای مثال، نورته دل کوکا نه تنها اولین

جامعه‌ی بهائی دنیا بود که چهار فعالیت اصلی را پی گرفت بلکه خاستگاه شبه‌نظامیان فارک است. به نظر می‌رسد که بیت‌العدل عقیده دارد که جوامع محروم بیش از دیگر نقاط به مشرق‌الاذکارهای بهائی و نهادهای پیرامونی آن نیاز دارند. به عبارت دیگر، در چنین جوامعی فقدان نهادهای اجتماعی کارآمد به بهائیان فرصت می‌دهد تا نقش مهمی بازی کنند و در ایجاد تغییرات اجتماعی و جامعه‌سازی پیشگام شوند.

تاکنون به استثنای مشرق‌الاذکار عشق آباد، دیگر مشرق‌الاذکارهای قاره‌ای از نهادهای پیرامونی بی‌بهره بوده‌اند. این امر سبب شده که این عبادتگاه‌ها عمدتاً اهمیتی نمادین داشته باشند و نقشی فراتر از «مبلغین صامت» آیین بهائی بازی نکنند. اما احداث مشرق‌الاذکارهای ملی و محلی حاکی از تغییری مهم است زیرا از این پس مشرق‌الاذکارها و نهادهای پیرامونی آن نیازهای جوامع غیربهائی محلی را برآورده خواهند کرد. برای تسهیل احداث این دو مشرق‌الاذکار ملی و پنج مشرق‌الاذکار محلی، صندوق بین‌المللی خاصی تأسیس شده که بهائیان دنیا کمک‌های مالی داوطلبانه‌ی خود را به آن واریز می‌کنند. این نمونه‌ی دیگری از بسیج منابع جهانی برای پاسخ‌گویی به نیازهای جوامع بهائی محلی و ملی خاص است.

معماران بهائی و غیربهائی در طراحی مشرق‌الاذکار آزادی عمل چشمگیری دارند اما تشویق می‌شوند که عناصر بومی را در طرح بگنجانند. افزون بر این، مشرق‌الاذکار باید مدور، نه وجهی، و محاط به نه باغچه و نه برکه باشد. عدد نه برای بهائیان ارزشی نمادین دارد زیرا نه تنها بزرگ‌ترین عدد تک‌رقمی و نماد وحدت در کثرت است بلکه ارزش عددی واژه‌ی «بهاء» بر اساس حروف ابجد هم نه است. باغچه‌ها، برکه‌ها و دایره‌ها نماد «هندسه‌ی مقدس» و «بهشت زمینی» اند.

مرسوم است که مرکز ملی اداری جامعه‌ی بهائی را نزدیک مشرق‌الاذکار می‌سازند. به همین دلیل، دبیرخانه، خزانه‌داری، تالار اجتماعات، بایگانی، کتابخانه، انتشارات و دیگر دوایر شورای ملی بهائیان آن کشور در مجاورت مشرق‌الاذکار قرار دارد.

در مشرق‌الاذکار از صندوق اعانه، تفکیک جنسیتی و منبر و محراب اثری نیست. ادای وعظ و خطابه ممنوع است اما برگزاری مراسم خاص، از جمله جلسه‌ی یادبود درگذشتگان بهائی و غیربهائی، کنسرت و کنفرانس بین‌الدیان مجاز است. هیچ روحانی‌ای جلسه‌های دعا و نیایش را اداره نمی‌کند و هر کس می‌تواند آثار هر دینی را قرائت یا تلاوت کند. معمولاً تعدادی از داوطلبانی که استعداد موسیقایی دارند و نزدیک مشرق‌الاذکار زندگی می‌کنند گروه همسرایان مشرق‌الاذکار را تشکیل می‌دهند. در سال ۲۰۰۶ در مراسم «جوایز موسیقی مستقل»، جایزه‌ی «بهترین سرود دینی» به یکی از تصنیفات رهبرگروه همسرایان مشرق‌الاذکار شیکاگو اهدا شد. هنرنمایی راوی شانکار فقید در مراسم گشایش مشرق‌الاذکار دهلی نشان می‌دهد که می‌توان از موسیقی کلاسیک یا فولکلور در مشرق‌الاذکار بهره برد. در سال ۲۰۰۹ در مراسمی که به مناسبت هفت‌صد سالگی روستای هوفهایم در مشرق‌الاذکار فرانکفورت

^۴ دهکده‌ای نزدیک فرانکفورت که مشرق‌الاذکار در آن قرار دارد.

برگزار شد گروه همسرایان مشرق‌الاذکار و گروه همسرایان قدیمی آن منطقه به طور مشترک و جداگانه بخش‌هایی از متون مسیحی و بهائی را خواندند. گروه همسرایان مشرق‌الاذکار کامپالا در جلسه‌ی یادبود درگذشتگان بهائی و غیربهائی و در رویدادهای ویژه‌ای نظیر روز جهانی زن قطعاتی را به زبان‌های انگلیسی، عربی، فرانسوی، کیسواحیلی و لوگاندا (زبان بومی اوگاندا) اجرا می‌کند.

احداث مشرق‌الاذکارها اغلب با نوآوری همراه بوده است. برای مثال، می‌توان به تهیه‌ی بتنی جدید برای نمای بیرونی مشرق‌الاذکار شیکاگو، استفاده از هلی‌کوپتر برای نصب فانوس برگیند مشرق‌الاذکار سیدنی (که در استرالیا بی‌سابقه بود)، و کاربرد مواد و روش‌های جدید برای احداث مشرق‌الاذکارهای دهلی و سانتیاگو اشاره کرد.

معماری مشرق‌الاذکارها آمیزه‌ای از عوامل محلی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی، و حاکی از آموزه‌ی بهائی وحدت در کثرت است. بهائیان با همکاری دیگر گروه‌های دینی و غیردینی، کنفرانس‌ها، کنسرت‌ها و نمایشگاه‌های گوناگونی را در مشرق‌الاذکارها برگزار می‌کنند. هدف از این برنامه‌ها ارائه‌ی آثار هنرمندان بهائی و غیربهائی، با تأکید بر شکل‌ها و سبک‌های هنری بومی، است.

اشاره به مشرق‌الاذکارها در کتاب‌ها، دفترچه‌ها و وب‌سایت‌های گردشگری نشان می‌دهد که این فرآورده‌های فرهنگی به جزئی از فرهنگ عامه تبدیل شده‌اند. در تأیید این نظر باید گفت که در ۲۶ ژانویه‌ی ۲۰۱۳ تصویر مشرق‌الاذکار دهلی بیست و چهار ساعت در صفحه‌ی اول بینگ دات کام به چشم می‌خورد. سبک متمایز معماری مشرق‌الاذکارهای بهائی به پیدایش دینی جدید اشاره می‌کند. این عبادتگاه‌ها را می‌توان نمونه‌ای از عام‌شدن امر خاص (وجوه خاص مشترک در سبک معماری مشرق‌الاذکارها) و خاص‌شدن امر عام (تطبیق این وجوه عام با مقتضیات محلی در نقاط گوناگون جهان) دانست. نهادهای آموزشی، پزشکی و بشردوستانه‌ی پیرامون مشرق‌الاذکارها تجلی آرمان بهائی جامعه‌سازی بر اساس اصول جهانی در عین توجه به مقتضیات محلی است.

پژوهشگران نشان داده‌اند که موفق‌ترین رسانه‌های بین‌المللی پیام خود را «جهالی» می‌کنند، یعنی محتوای جهانی را به شکلی محلی ارائه می‌دهند. گروه‌های دینی موفق هم پیام عام جهانی خود را با توجه به مقتضیات خاص محلی ارائه می‌دهند. مشرق‌الاذکارهای بهائی فرآورده‌های فرهنگی تعامل امر جهانی و امر محلی‌اند. بهائیان دریافته‌اند که ترویج جهان‌وطنی باید مبتنی بر فرهنگ محلی باشد. مارگیث واریوگ، جامعه‌شناس نامدار دانمارکی، بهائیان را «جهان‌محل» می‌نامد تا بر اهمیت اصل وحدت در کثرت در جامعه‌ی بهائی و لزوم تعادل میان امر جهانی و امر محلی تأکید کند.

⁵ Glocal

رولاند رابرتسون این اصطلاح را برای تأکید بر تعامل امر جهانی (Global) و امر محلی (Local) ساخت.

⁶ Cosmolocal

ایدئولوژی بهائی و ساختارهای نهادی آن عام‌گرایند و بر اصل «وحدت خدا، ادیان و انسان» بنا نهاده شده‌اند. در عین حال، این جهان‌بینی عام‌گرا در جوامع بهائی محلی که حدود و ثغور جغرافیایی خاصی دارند، تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر، نهادینه‌شدن نظام «جهانی» بهائی از جوامع «محلی» شروع می‌شود. مشرق‌الاذکار جلوه‌ای از درهم‌تنیدگی امر محلی و جهانی است. از یک سو، بهائیان آرمان‌های خود را به عنوان الگوهایی «جهانی» از طریق مشرق‌الاذکارهای «محلی» ارائه می‌دهند. از سوی دیگر، مشرق‌الاذکار محلی به بهائیان کمک می‌کند تا با جامعه‌ی غیربهائی پیرامون خود و با دیگر جوامع بهائی جهان پیوند یابند. هدف از بنای مشرق‌الاذکارها تحقق آرمان‌های جهانی صلح، خدمت و رواداری در روابط روزمره در جوامع محلی است. مشرق‌الاذکارها رابطه‌ی دیالکتیکی امر محلی و جهانی را تقویت می‌کنند زیرا آرمان‌های «عام» را در محیطی «خاص» تحقق می‌بخشند و به این ترتیب، امر جهانی را محلی، و امر محلی را جهانی می‌کنند.

منابع

بهاء‌الله (۱۹۹۲) کتاب اقدس، حیفا: مرکز جهانی بهائی.

Julie Badiie (1993) *An Earthly Paradise: Baha'i Houses of Worship Around the World*, Oxford: George Ronald.

Julie Badiie et al (2009) Mashriqu'l-Adhkár, http://www.Baha'i-encyclopedia-project.org/index.php?option=com_content&view=article&id=70

Baha'i World Centre (2011) *The Five Year Plan, 2006-2011: Summary of Achievements and Learning*, Haifa: Baha'i World Centre.

Baha'i World Centre (2006) *The Five Year Plan, 2001-2006: Summary of Achievements and Learning*, Haifa: Baha'i World Centre.

Baha'i World News Service (2001) Thousands of Baha'is climb Mount Carmel as new terraces are inaugurated, 23 May 2001, <http://news.Baha'i.org/story/121>

Christopher Buck (2011) 'Baha'i Temples' in Melton, J. Gordon (ed.) (2011) *World Religions: Belief, Culture, and Controversy*, ABC-CLIO, http://Baha'i-library.com/buck_abc-clio_Baha'i_temples

Shoghi Effendi (1970) *Dawn of a New Day*, New Delhi: Bahá'í Publishing Trust of India.

Graham Hassall (2012) 'The Baha'i House of Worship: Localisation and Universal Form' in Cusack, Carole M. & Norman, Alex (eds.) (2012) *Handbook of New Religions and Cultural Productions*, Brill Academic Publishers.

Helen Hornby (comp.) (1994) *Lights of Guidance*, 3rd edition, New Delhi: Baha'i Publishing Trust.

Michael McMullen (2000) *The Baha'i: The Religious Construction of a Global Identity*, New Brunswick, New Jersey: Rutgers University Press.

J. Gordon Melton (2010a) 'Democratic Republic of the Congo (Zaire)' in Melton, J. Gordon & Baumann, Martin (eds.) (2010) *Religions of the World: A Comprehensive Encyclopedia of Beliefs and Practices*, 2nd edition, 6 Vols: 774-779, Santa Barbara, Denver & Oxford: ABC-CLIO.

J. Gordon Melton (2010b) 'Papua New Guinea' in Melton, J. Gordon & Baumann, Martin (eds.) (2010) *Religions of the World: A Comprehensive Encyclopedia of Beliefs and Practices*, 2nd edition, 6 Vols: 2190-2194, Santa Barbara, Denver & Oxford: ABC-CLIO.

Moojan Momen (2012) 'MAŠREQ AL-ADKĀR' in Encyclopaedia Iranica, <http://www.iranicaonline.org/articles/mashreq-adkar>

Vahid Rafati & Fariborz Sahba (1989) 'Baha'i Temples' in *Encyclopaedia Iranica*, Vol. 3: 465-467, New York: Columbia University Press, <http://www.iranicaonline.org/articles/Baha'ism-ix>

Deborah Soonian Glenn (2016) 'Bahai'i Temple of South America, *Architectural Record*, 1 May 2016, <http://www.architecturalrecord.com/articles/11651-bahai-temple-of-south-america?v=preview>

Universal House of Justice (2012) *The 2012 Ridvan Message to the Baha'is of the World*, Haifa: Baha'i World Centre.

Universal House of Justice (2001) *The 2001 Ridvan Message to the Baha'is of the World*, Haifa: Baha'i World Centre.

Manuel A. Vasquez & Marie Friedmann Marquardt (2003) *Globalizing the Sacred: Religion across the Americas*, New Brunswick, New Jersey, and London: Rutgers University Press.

Margit Warburg (2006) *Citizens of the World: A History and Sociology of the Baha'is from a Globalization Perspective*, Leiden & Boston: Brill.